

از نظر اروپائیان، ایران، تعبیری جغرافیائی نیست، نامی پرطنین است که بر روی بریدگی‌های منحنی شکل قاره آسیا تشکیل شده است. ایران از باختر به خاوردومین فلات از فلاتهای است که در آسیای مرکزی کمتر از آناتولی سیمای اروپائی و کمتر از تبت وضع آسیائی دارد. فلات مرکزی آن هزار و دوست متر ارتفاع دارد و فرورفتگیهای آن، از ۶۰۰ متر تجاوز نمی‌کند و قتل رفیع آن حدود ۵ هزار متر بلندی دارد. فلات ایران ۷۰۰ فرسنگ از نظر طول جغرافیایی از آزارات تا پامیر است و به طور کلی ۲/۵ میلیون کیلومتر مربع یعنی ۵ بار بیش از کشور فرانسه وسعت دارد. وقتی که بر نقشه اروپا منتقل شود سراسر مرکز آن را از کاله تا مسکو، از هامبورگ تا ترسیت

می‌پوشاند. امروزه در این سرزمین سه کشور قرار دارد. ایران - افغانستان و بلوچستان و سه سلطان برآن حکومت می‌کنند، خان کلات، امیرکابل و پادشاه تهران. این تقسیم‌بندی را بریتانیایی‌ها در برابر هندوستان تحمیل کردند، آنها می‌خواستند یک بلوچستان دست‌نشانده و افغانستان جیره‌خوار داشته باشند. اگر تهدیدها و دوبار حمله مسلحانه لندن (۱۸۳۷ و ۱۸۵۰) نبود فلات ایران امروزه یک رهبر داشت زیرا ایرانیان این قطعه قطعه کردن سرزمین خود را امری طبیعی ندانسته‌اند.

تاریخ نفوذ سیاسی و اقتصادی انگلستان در ایران

دولت ایران به موجب اسناد و شواهد از دیرباز با دول بزرگ جهان و همسایگانش روابط سیاسی و بازرگانی داشته و به آن کشورها سفرانی اعزام می‌کرده است. ارتباطات سیاسی و اقتصادی به مفهوم امروزی از دوره صفوی آغاز شده در این دوره به خصوص زمان شاه عباس روابط بین‌المللی با بسیاری از کشورها و همچنین ممالک کلیسای کاتولیک به رهبری «پاپ» آغاز شد و مستقیماً تحت نظر دربار سلطنتی اداره می‌شد، امنیت راهها و رواج تجارت توجه اروپائیان بویژه بریتانیاییها را به گسترش سرمایه‌گذاری در ایران جلب کرد و قراردادهای متعددی خصوصاً در زمینه تجارت ابریشم با دول خارجی منعقد شد. فروش ابریشم در انحصار دربار بود و تجار واسطه بوده، دستگاههای اجرایی جز نظارت کاری نمی‌کردند.

در این زمان سفرایی به کشورهای مهم برای ایجاد روابط سیاسی و بازرگانی فرستاده می‌شدند از جمله رابرت شرلی که در سال ۱۶۰۸ میلادی برابر ۹۸۷ شمسی در زمینه جنگ با عثمانی به دربار پادشاهان اروپائی رفت. بریتانیایی‌ها از طریق کمپانی هند شرقی در ۱۷۵۴ به این نتیجه رسیدند که ناحیه خلیج فارس گذرگاه ذقیمتی برای تجارت است و خاک گرانبهای است که نباید فراموش شود در همان زمان فرانسیس وود Francis Wood با دستورات لازم برای تأسیس مرکز نمایندگی و پیشبرد بالا بردن مصرف محصولات پشمی به این منطقه اعزام شد.

دولت بریتانیا که از پیشروی روسها به سوی خلیج فارس و سرحدات هند نگران شده بود پس از اخذ امتیاز از ایران، این کشور را به صورت دولت ضعیف و دست‌نشانده درآورد تا خلیج فارس را در انحصار خود و سرحدات مرزی هند در اختیار داشته باشد. بدین لحاظ سعی کرد با حفظ ثبات ایران سدی برای نفوذ در برابر کشورهای اروپائی مانند روسیه و فرانسه باشد. قرن ۱۹ را می‌توان دوره ورود ایران به سیاست بین‌المللی دانست. در آغاز این دوره که مصادف با حکومت قاجار بود روسها شروع به تصرف و الحاق تدریجی مناطق شمالی به کشور خود کردند.

با آغاز انقلاب صنعتی، ایران تهیه کنند. مواد خام مورد نیاز بازار جهانی بود و دستگاه حکومت بعد از قتل امیرکبیر امتیازات زیادی از خط آهن - استخراج معادن - استفاده از جنگلها و... به دول خارجی داد. قرن ۱۹ را می‌توان صحنه رقابت دول روس و انگلیس دانست. در مجموع

می‌توان نتیجه گرفت در این ۳۰۰ سال انگلستان حتی یکبار هم گامی به سود ایران برنداشت، (۱۶۰۸-۱۸۹۹). البته ایرانیان فراموش نخواهند کرد که برانگیختن عثمانیان به جنگ با ایران، قتل امیرکبیر، جدا کردن افغانستان و بحرین از ایران و شبیخون زدن به ایران در سپیده دم ۱۳۲۰ از جمله توطئه‌های دولت انگلستان بوده است.

برای تایید این خاطره‌ها ذکر جملاتی از هانری لاپروچر نماینده مجلس انگلیس خواندنی است: «ما انگلیسیها بدون استثنا بزرگترین راهزنان و غارتگرانی هستیم که، کره زمین به خود دیده است. ما علاوه بر آن مودی و منافق هستیم.»

با پیروزی انقلاب مشروطه در پی تحولات شگفت سیاسی در سطح جهان، روابط ایران با دول خارجی گسترش یافت در اوایل همین دوران بود که به

دنیال کودتای ۱۹۲۱ برابر ۱۲۹۹ شمسی توسط رضاخان، قدرت به دست خاندان پهلوی افتاد، سیاست تجاوزکارانه روسیه به دنیال انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ کاهش یافت و نفوذ انگلیس در ایران بیشتر و امریکا وارد امور سیاسی ایران شد.

در آغاز حکومت جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و دولت موقت به منظور تدوین نظام جدید روی کار آمد. در سال ۱۳۵۸ تا اوایل ۱۳۵۹ قراردادهای فروش بریتانیا حدود ۱۴۳ میلیون دلار بود در همین ایام تاجر با سفر به کشورهای اروپائی خواست تا ایران را تحریم کنند و پس از آن تحریک عراق برای آغاز جنگ با ایران به نظر بسیاری از کارشناسان، متضمن منافع امریکا و انگلستان بود. ولی به هرحال انگلستان روابط تجاری خود را با ایران حفظ می‌کرد و در خلال این سالها قراردادهای تجاری انگلیس از قبیل فروش مواد خام برای صنایع و فروش فرآورده‌های نفتی از طریق دوی که در سالهای ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ به مرز ۶۰۰ میلیون دلار رسید، همچنان اجرا می‌شد.

در سال ۱۳۶۷ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران انگلیس با پیشنهاد وام بانکی فکر می‌کرد می‌تواند رویه قبلی خود را شروع کند که امام خمینی «ره» با آن مخالفت کردند.

در این ایام انگلیس از طریق دوی به فروختن فرآورده‌های نفتی به ایران کرد شرکت نفت بریتانیا (BP) نیز فعالیتهایی از جمله: خرید نفت خام و عرضه فرآورده‌های نفتی، عرضه روغن‌های موتور و روغن‌های صنعتی، فرآورده‌های لازم برای مرغداری و ارائه لیسانس تکنولوژی برای تولید پلی اتیلن در مجتمع پترو شیمی اراک را پی گرفت.

حمایت از انتشار کتاب آیات شیطانی در انگلستان نیز با خشم همگان روبرو شد و فرمان قطع روابط دیپلماتیک با بریتانیا و قطع روابط اقتصادی با انگلستان را به همراه داشت. چند ماه پس از رحلت امام خمینی «ره» زمزمه‌های از سرگیری روابط با بریتانیا به میان آمد که به دنیال جنگ عراق و کویت و اعلام جنگ نیروهای پیمان آتلانتیک شمالی و یاران آنها به عراق دولت انگلیس بهتر دید که با ایران اسلامی که قدرتمندترین کشور خلیج فارس است رابطه داشته باشد. مذاکراتی با ایران کرد که این مذاکرات در اواخر تیرماه سال جاری به توافق رسید.

باید بدانیم که انگلستان به دنیال منافع از دست رفته خود اقدام به برقراری ارتباط با ایران کرده است. حال باید دید آیا روابط انگلیس براساس احترام متقابل به دور از هرگونه دخالت در امور کشوری و لشکری و اقتصادی خواهد بود؟ راستی آیا انگلستان روابط همزیستی مسالمت‌آمیز را با ایران شروع خواهد کرد؟ قطعاً در ذهن مردم ایران سوالات بسیاری طرح شده است و آنها از این پس روند همکاری‌ها را به دقت دنبال می‌کنند، ملت شریف ایران با هوشمندی تمام منتظر نتیجه قطعی، از آزمایش شروع روابط با انگلستان هستند.

شهاب شهبابی